

اهداف و شیوه‌های مناظرات امام رضا علیه السلام و مأمون در مسئله امامت
الپه هادیان (استادیار دانشگاه قرآن و حدیث)
hadian.e@qhu.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۰۳)

چکیده

در میان روایات کلامی امام رضا علیه السلام، چهار مناظره در موضوع امامت (با حذف موارد تکراری و با توجه به تعریف خاص مناظره و تفاوت آن با احتجاج)، گزارش شده است که اهداف و شیوه‌ها و نتایج خاص را در بردارد. در برخی کتاب‌های روایی، دو مناظره نیز میان مأمون و علمای عامه در موضوع امامت، گزارش شده است که با توجه به انگیزه‌های مأمون از برپایی جلسات مناظره، جای بحث و گفتگوی بسیار دارد.

مناظرات امام رضا علیه السلام بر اساس روش‌های گفتمان قرآنی، در اصول و غایت، تفاوت‌های بنیادین با شیوه مناظره علم منطق دارد. و در میان انواع صورت‌های گفتمان، تنها منطبق بر نوع گفتمان قرآن با هدف هدایت انسان است. این مناظرات، مبتنی بر اهداف و شیوه‌هایی است که نه تنها در آن دوره تاریخی، که در همه روزگاران می‌تواند مورد استفاده در پاسخ‌گویی به سوالات و شبهات قرار گیرد.

در این پژوهش، این اهداف و شیوه‌ها در مناظرات امام رضا علیه السلام تا حدی واکاوی شده و در کنار آن به بخشی از اهداف و شیوه‌های مأمون در مناظره با علمای عامه نیز پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه السلام، امامت، مناظرات، مأمون، شیوه‌های گفتمان.



مقدمه

بی‌تردید موضوع امامت، محوری‌ترین جایگاه و نقش را در اندیشه کلامی شیعه امامیه دارا است. از صدر اسلام و پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، درباره جانشینی و امامت، در میان مسلمانان اختلاف به وجود آمد.

به جهت چنین اهمیت و ضرورتی درباره مسئله امامت است که همواره در طول تاریخ اسلام، این موضوع از جمله مهم‌ترین مسائل مطرح میان مسلمانان بوده است؛ تا آن جا که گفته شده: «ما سلّ سیف فی الإسلام علی قاعدة دینیة کما سلّ علی الإمامة فی کلّ زمان» (طبری آملی، ۱۴۱۳: ۱۶)؛ «هیچ مسئله‌ای در اسلام مثل مسئله امامت برایش شمشیر کشیده نشده است» حتی مسئله توحید نیز این گونه نبوده است، یعنی به این میزان که مسلمانان به مسئله امامت پرداخته‌اند، به مسئله توحید و اصل مبدا و اثبات حق و ذات اونپرداخته‌اند.

به گواهی تاریخ، عصر امام رضا علیه السلام، عصر فرقی و مذاهب گوناگون کلامی است. خلفای اموی و عباسی، از روزهای آغازین دولت خود، با این مانع بزرگ روبرو گردیدند که با رشد فرهنگ اسلامی و افزایش فکر و فرهنگ جامعه، در میان مردم با مشکلات اساسی روبرو خواهند شد. به این جهت برآن شدند تا در مقابل این فرهنگ، برای ناآگاه نگاه‌داشتن مردم بکوشند. یکی از مهم‌ترین این زمینه‌ها، در موضوع امامت و رهبری جامعه بود.

امام رضا علیه السلام که در دوران اوج این فرهنگ سازی دروغین و تهاجم بزرگ فرهنگی به آموزه‌های اسلامی و شیعی قرار داشتند، همانند امامان دیگر، به مبارزه با این تهاجم گسترده دست زدند و با مناظره و گفت و گو با بزرگان ادیان و متکلمان مذاهب، به آموزش و گسترش اندیشه‌های قرآنی و اسلامی پرداختند و نقشه‌های خلفای عباسی را نقش بر آب کردند. یکی از مباحث مهم در مجموعه گفتمان‌های امام رضا علیه السلام با متفکران مذاهب و مکاتب، مبحث امامت است که با توجه به انگیزه‌های مامون از برگزاری این مناظرات، میان امام رضا علیه السلام و علمای عامه و مامون و نیز میان خود مامون و علمای عامه صورت پذیرفته و نکات قابل توجهی در آن نهفته است.

در میان مخاطبین امام علیه السلام در مناظرات و احتجاجات ایشان، نوع بحث با مخاطب شیعه و عامه متفاوت است. به عنوان نمونه در مواردی که مخاطب غیر شیعه و از ابتدا مخالف با اندیشه‌های امام علیه السلام است، نوع احتجاجات امام علیه السلام به گونه‌ای است که ایشان ابتدا، زیرساخت

سخن و فکر مخاطب را متزلزل و مسئله‌دار می‌کنند و سپس با فروریختن زیرساخت فکری او، سخن حق را بنا می‌نمایند. و این بهترین شیوه بحث و به تعبیر قرآن کریم، جدل احسن است که در ادامه مباحث بدان بیشتر خواهیم پرداخت.

بی شک پوشش ظاهری تشکیل جلسات مناظره و احتجاج توسط مامون، اثبات و تبیین مقام والای امام علیه السلام در رشته‌های مختلف بود، اما در این که در زیر این پوشش ظاهری چه صورتی پنهان بود در میان محققان گفتگو است

در این پژوهش به روش مطالعه توصیفی - تحلیلی، به این سوال اصلی پاسخ داده می‌شود که:

اهداف مناظرات امام رضا علیه السلام و مامون در مسئله امامت چه بوده و نوع گفتمان امام رضا علیه السلام در این مناظرات، بر اساس منطق قرآن، مطابق چه مبنا، شیوه و هدفی صورت پذیرفته است؟ در این مقاله کوشش شده است تا این مسئله در حد مقدور مبتنی بر منطق گفتمان قرآن کریم واکاوی شود.

درباره پیشینه عام و خاص این پژوهش باید گفت که درباره مناظرات امام رضا علیه السلام و نیز بحث امامت و اهمیت آن و نیز ویژگی‌ها و روش‌های مناظرات امام هشتم علیه السلام به صورت مستقل، آثار بسیاری پدید آمده است که نیازی به فهرست کردن آن‌ها نیست؛ اما از نگاه خاص این بحث یعنی انعکاس ابعاد امامت و رهبری در مناظرات امام رضا علیه السلام و روش‌شناسی این مناظرات و تبیین اهداف و نتایج آن‌ها، بر پایه شیوه‌های گفتمان قرآن و نیز چارچوبی که این بحث بر اساس آن طراحی گردیده است، پژوهشی انجام نشده است.^۶

۶- بجاست تا از راهنمایی‌های ارزنده استاد فرزانه جناب آقای دکتر مهدوی راد تشکر نمایم که در تمام مراحل نگارش مقاله، از دادن ایده نگارش تا راهنمایی بخش‌های گوناگون آن و به انجام رسیدن مقاله، اینجانب را بسیار یاری نمودند.

۱. ضرورت امامت و نقش امام در جامعه

از آن جایی که مسئله اصلی مورد بحث در این نوشتار، بررسی نصوص امامت در مناظرات امام رضا علیه السلام است، لازم است تا پیش از ورود به بحث نگاهی به ضرورت مسئله امامت و نقش امام در جامعه داشته باشیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در شرایطی رحلت نمود که اولاً اسلام هنوز تمام قلمرو حجاز را فرا نگرفته بود و ثانیاً دشمنان گوناگونی از زوایای مختلف، آئین نوپای اسلام را تهدید می کردند؛ علاوه بر آن که در تاریخ اسلام مشاهده می شود که حضور بیست و سه ساله رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جهت تبلیغ و ترویج آئین اسلام که مهم ترین آن در دوران حضور ده ساله ایشان در مدینه صورت گرفت، جهت تربیت انسان هایی که به تازگی از جاهلیت فکری و عملی به درآمده بودند، کافی نبود؛ چنان که در تاریخ اسلام، موارد فراوانی به چشم می خورد از تخلفات مهاجرین و انصار حتی در سال های پایانی عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همانند مخالفت های گروه هایی پس از جنگ حنین، صلح حدیبیه، تعیین جانشین پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امثال آن که این همه نشان گر نیاز آنان و جامعه آن روز به ادامه روند تبلیغ و آگاهی رسانی در جامعه نوپای اسلامی آن دوران است.

البته ضرورت بحث امامت و اهمیت جایگاه آن تنها به این دلایل باز نمی گردد. بنا بر احادیث متعددی که از معصومان علیهم السلام رسیده، وجود امام عادل عالم در زمین ضروری است، تا حجت خدا بر انسان ها و راهنمای آنان به اسلام راستین باشد. (برای نمونه: کلینی، ۱۴۲۹، کتاب الحجج) نیز بر پایه این قاعده عقلی که آفریدگار حکیم، کارها را به واسطه اسباب اجرا می نماید، حجت خدا نه تنها واسطه رساندن فیض هدایت و تکمیل نفوس مستعد است، بلکه فیض وجود آفرینش نیز به واسطه و وسیله او به مخلوقات می رسد.

در این زمینه روایاتی نیز از امام رضا علیه السلام وارد شده است از جمله آن که: محمد بن فضل می گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا ممکن است زمین بدون امام باشد؟ امام فرمود: «لا إذا لَسَّأَتْ بِأَهْلِهَا» (هرگز، که در آن وقت، زمین، اهل خود را فرو خواهد برد) (این حدیث در کتاب های مختلف حدیثی از طرق گوناگون و با تفاوت در برخی عبارات، ذکر شده است، از جمله: کلینی، ۱۴۲۹: ۴۳۸/۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۷۲/۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲۰۲/۱؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۱۳۹... لازم به ذکر است، این حدیث از دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نیز نقل شده است)

همچنین در این زمینه است: روایت مهم دیگری از امام رضا علیه السلام که از طریق فضل بن شاذان نقل شده است. در این روایت، امام رضا علیه السلام علل زیادی را برای امامت برشمردند. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۰۰/۲-۱۰۱) در احتجاج امام رضا علیه السلام در برابر عبدالعزیز بن مسلم نیز خطوط زیادی از نقش امامت در دین بیان شده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۳۳-۴۴۱) در این زمینه باید گفت که امامان معصوم علیهم السلام در هر زمینه اگر تقیه می کردند؛ اما در این که آنان شایسته رهبری امت و جانشینی پیامبرند، هرگز تقیه نمی کردند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۴۵۹)، چنان که در حدیثی، امام رضا علیه السلام در پاسخ به گروهی از واقفیان، در مسئله امامت فرمودند: من در این که بگویم امام هستم تقیه نمی کنم. امام رضا علیه السلام در این زمینه به سیره رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اعلام امر رسالت استناد فرمودند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۲۱۳-۲۱۴).

به جهت اهمیت این موضوع، اصل امامت و ابعاد گوناگون آن در متون دینی شامل قرآن و روایات، زیارت نامه‌ها، وصایا و خطبه‌ها و نیز منابع اعتقادی انعکاس یافته است که بدان‌ها اشاره‌ای خواهیم داشت.

۲. انعکاس ابعاد امامت و پیشوایی در متون دینی

ابعاد امامت و پیشوایی از متون زیر قابل استخراج است.

۲-۱. قرآن و روایات

در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام به صورت بسیار جامع و در قالب‌های گوناگون مانند روایات تفسیری، احتجاجات و مناظرات و غیره، به طرح موضوع امامت پرداخته شده است که در این مقاله، بخشی از این روایات را بازگو کرده‌ایم.

۲-۲. زیارت نامه‌ها

بخشی از متون دینی که موضوع امامت و ابعاد آن در آن تجلی یافته است، زیارت‌های ماثور و یا غیر ماثور معصومان علیهم السلام و دیگر اولیاء الهی است. از جمله این زیارت‌ها، زیارت جامعه کبیره است که از مهم‌ترین و کامل‌ترین زیارت‌نامه‌های امامان معصوم علیهم السلام است. این زیارت‌نامه از سوی امام هادی علیه السلام در پاسخ به درخواست یکی از شیعیان صادر شده است. از جمله موضوعاتی

که در این زیارت مطرح شده است، معرفی امام و مقام امامت است، نیز شئون ائمه علیهم السلام مانند شان امام در جهان خلقت (تکوین)، شان امام در دین (تشریح) و غیره.^۷ (جهت آگاهی بیشتر از موضوعات مطرح در زیارت جامعه کبیره نگاه کنید به نجفی، ۱۳۸۹: ش ۲۶)

۲-۳. توصیه‌ها (وصایا) و خطبه‌ها

در توصیه‌ها و خطبه‌های خوانده شده در تاریخ اسلام، موضوع امامت از جایگاه مهمی برخوردار است. برخی مولفین مسلمان در کتاب‌های خود به گردآوری این توصیه‌ها و خطبه‌ها پرداخته‌اند. از جمله مهم‌ترین این کتاب‌ها، کتاب «جمهرة خطب العرب فی عصور العربیة الزاهرة» در سه جلد اثر احمد زکی صفوت است که در آن خطبه‌های تاریخ از قبل اسلام در عصر جاهلی تا دوره‌های بعد آورده شده است. نویسنده کتاب گرچه از اهل سنت است اما بحث امامت در میان خطبه‌های گزارش شده در کتاب او از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. او درباره خطبه‌های حضرت علی علیه السلام نیز از آن حضرت همواره با عنوان «الامام علی کرم الله وجهه» یاد می‌کند.^۸

۷- با توجه به نقش مهم زیارات در انتقال فرهنگ شیعه، مجموعه زیارات در مجموعه‌هایی گردآوری شده است که از جمله بهترین و مهم‌ترین این مجموعه‌ها می‌توان به چهار اثر «موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام»، «جامع زیارات المعصومین علیهم السلام»، «مهج زیارات»، «تحفة الزائر» اشاره کرد که بویژه اثر نخست یعنی «موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام» دائرة المعارفی از زیارات معصومین علیهم السلام است که به زبان عربی تدوین و تألیف شده است و می‌توان گفت که اولین فرهنگ‌نامه بزرگ زیارتی است که در آن، زیارات معصومین علیهم السلام با دقتی عالمانه، از مصادر کهن و نسخ نفیس، استخراج و به شکل مناسبی تدوین شده است. این کتاب توسط مؤسسه الامام الهادی علیه السلام در هفت مجلد چاپ شده است.

۸- احمد زکی صفوت از نویسندگان مصری معاصر است که در زمینه قرآن کریم و تاریخ اسلام پژوهش‌هایی انجام داده است از جمله مقالات او در صحیفه دارالعلوم با عنوان «فتنة خلق القرآن» (احمد زکی صفوت، ۱۳۶۰، ش ۳: ۴۶-۵۴) و کتاب «جمهرة خطب العرب» یکی از مهم‌ترین کتاب‌های اوست. جایگاه و موضوع امامت در توصیه‌ها و خطبه‌های گوناگون او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام تا دیگران مشاهده می‌شود. مانند نامه‌ای که عمر بن عبدالعزیز به حسن بصری نوشت و از او درخواست کرد تا صفات امام عادل را برایش بنویسد. (احمد زکی صفوت: ۴۹۵/۲، نویسنده این مطلب را در ذیل خطبه‌ها و توصیه‌ها در عصر اموی در جلد دوم کتاب، ضمن خطبه‌ها و توصیه‌های حسن بصری آورده است). شاید سبب این که

۲-۴. منابع و کتاب‌های اعتقادی

در طول تاریخ اسلام، کتاب‌های بسیار زیادی در موضوع امامت و پاسخ به سوالات و شبهات آن توسط نویسندگان شیعه و اهل سنت نوشته شده است؛ در میان انبوه این کتاب‌ها تنها به معرفی کتاب «الفصول المختارة» بسنده می‌کنیم. این کتاب را سید مرتضی علم‌الهدی از کتاب «المجالس» و «العیون و المحاسن» و از املائی شیخ مفید بر ایشان و دیگر تالیفات شیخ مفید، گل‌چین کرده و با نام «الفصول المختارة» تدوین نموده است. این کتاب، حاوی مجموعه مباحثات شیخ مفید با علمای اهل تسنن، درباره مباحث اعتقادی و کلامی است که به شکل زیبایی تدوین شده است.

شیخ مفید، در این مباحثات، بسیاری از عقاید شیعه را با بیانی استدلالی و با استناد به عقل و قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ثابت کرده و بسیاری از شبهات و اشکالات اهل تسنن بر شیعه را جواب داده است.

در حوزه امامت، کتاب‌های فراوان دیگری توسط دانشمندان متقدم و متاخر نگارش یافته مانند تجرید الاعتقاد، امام شناسی و مانند آن که نیازی به ذکر آنها نیست و نگاهی کوتاه به آثار دانشمندان مسلمان گویای این مطلب است.

آن چه بیان گردید، مقدمه‌ای بود درباره اهمیت مسئله امامت و چگونگی انعکاس آن در منابع و نصوص دینی جهت ورود به بررسی امامت در مناظرات و چرایی اهتمام فراوان امام رضا علیه‌السلام و دیگران نسبت به آن.

نویسنده در این کتاب توصیه‌ها را نیز در کنار خطبه‌ها آورده و نام کتاب را «جمهره الخطب» نهاده است، این باشد که واژه «خطبه» در اصل به معنی «رویا روی سخن گفتن و رد کردن کلام به یکدیگر» است که درباره موعظه و توصیه به کار می‌رود و شاید از این جهت که خطبه همان گونه که برخی دانشمندان لغت گفته‌اند وعظ هماهنگ و هم‌ردیف با نوعی تالیف است و یا آن که مانند نامه، اول و آخر دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸۶؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۶۶۸/۱؛ مدنی شیرازی، ۱۳۸۴: ۴۴۸/۱).

۳. مفهوم‌شناسی دو واژه «مناظره» و «احتجاج» و تفاوت آن‌ها با یکدیگر

گرچه احادیث فراوانی در کتاب‌های روایی از امام رضا علیه السلام نقل شده و منابع تاریخی و متون روایی از اخبار و سیره و آداب مختلف آن حضرت سرشار است، اما از میان این همه احادیث، مناظرات آن حضرت در موضوع امامت، سهم زیادی ندارند.^۹ در این جا برای روشن شدن موضوع در ابتدا به تبیین دو مفهوم «احتجاج» و «مناظره» و تفاوت میان آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. مناظره

واژه «مناظره» از ریشه «نظر» است. ریشه «نظر» با رفتن به باب مفاعله، معنای خاصی می‌گیرد یعنی چیزی یا کسی مانند دیگری شدن (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۴۱/۷). از سویی در معنای عمومی باب مفاعله، معنای اشتراک است.

این ریشه معنایی در کتاب‌های لغت مورد توجه قرار گرفته و مناظره را مباحثه، کاوش، نکته بینی، رقابت و گفتگوی طرفینی رو در رو دانسته‌اند (مشارکت دو نفر یا دو گروه با به میان آوردن هر آنچه به آن معتقدند) درباره چیزی که می‌خواهند روشن شود. (برای نمونه: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۷/۵؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۴۲/۷؛ مدنی شیرازی، ۱۳۸۴: ۳/۳۴۲)

آنان موضوعی را با هم و همراه هم به گفت و شنود می‌گذرانند تا حقیقت آن برایشان آشکار شود و به نتیجه مشترک برسند. بنابراین مناظره علاوه بر معنای مشارکت در گفت و گو و بحث کردن با هم، این معنی را نیز دربردارد که دو طرف بحث، به لحاظ فکری و عقیدتی در موضوع مورد بحث، باید به یک نتیجه مشترک برسند.

۹- البته تعداد روایات امام رضا علیه السلام که بیانگر احتجاجات ایشان در باب امامت است، بیشتر از این تعداد است، اما تلاش ما در این نوشتار، بر این است که تنها مناظرات و گفتگوی‌های طرفینی امام علیه السلام با علمای عامه که قالب مناظره دارد و مفهومی خاص‌تر از احتجاج و بلکه یک گونه از احتجاجات است را در مسئله امامت گردآوری و تبیین موضوعی نماییم. بنابراین از نقل احادیثی که قالب مناظره نداشته است، صرف نظر نموده‌ایم.

بر این اساس نکته اصلی در مناظره این است که بحث کننده به دنبال ایجاد دگرگونی در ساختار فکری کسی است که طرف مقابل اوست و مانند او می‌خواهد همین کار را انجام دهد و تأثیر همانندی بر او گذارد و دو طرف مناظره برای رسیدن به این هدف تلاش می‌کنند.

۳-۲. مفهوم‌شناسی واژه «احتجاج» و ارتباط آن با مناظره

احتجاج از باب افتعال به معنی اقامه حجت بر مدعا است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۲۸/۲). حجت در اصل به معنای دلیل روشن برای اثبات مقصد حق و درست است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» (انعام: ۱۴۹) اما هر گونه دلیل برهانی نیز حجت نامیده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۹)؛ چنان که قرآن کریم این اصطلاح را درباره محابّه کفار نیز به کار برده و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَحَابُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ» (شوری: ۱۶)

با توجه به تعریفی که درباره هر یک از دو مفهوم «احتجاج» و «مناظره» بیان گردید، چنین به نظر می‌رسد که مناظره گفتگوی دو طرفه است (برخلاف احتجاج که الزامی در گفتگوی دو طرفه ندارد) و لذا احتجاج، اعم از مناظره است.

۴. انگیزه مامون از برگزاری جلسات مناظره امام رضا علیه السلام در برابر فرقه‌های گوناگون

بخشی از مناظرات و احتجاجات امام رضا علیه السلام، در برابر پیروان مذاهب مختلف اسلامی بوده است. بی شک پوشش ظاهری تشکیل جلسات مناظره و احتجاج برای امام علیه السلام توسط مامون، اثبات و تبیین مقام والای امام علیه السلام در رشته‌های مختلف علوم و مکتب اسلام بود، اما در این که در زیر این پوشش ظاهری چه صورتی پنهان بود نظراتی مطرح شده است:

۱- گروهی می‌گویند: مأمون هدفی جز این نداشت که به پندار خویش مقام امام علیه السلام را در انظار مردم، مخصوصاً ایرانیان که سخت به اهل بیت عصمت علیهم السلام علاقه داشتند و عشق می‌ورزیدند، پایین بیاورد، به گمان این که امام تنها به مسائل ساده‌ای از قرآن و حدیث آشناست و از فنون و علم و استدلال بی‌بهره است.

۲- انگیزه دیگری که در اینجا جلب توجه می‌کند این است که مأمون می‌خواست مقام والای امام هشتم (ع) را تنها در بعد علمی منحصر کند، و تدریجاً او را از مسائل سیاسی کنار بزند، و چنین نشان دهد که امام مرد عالمی است و پناهگاه امت اسلامی در مسائل علمی است، ولی او کاری با مسائل سیاسی ندارد و به این ترتیب شعار تفکیک دین از سیاست را عملی کند!

۳- مأمون مایل بود که مسئله مناظره امام علی بن موسی الرضا (ع) با علمای بزرگ عصر و زمان خود نقل محافل و مجالس باشد، و همه علاقه‌مندان و عاشقان مکتب اهل بیت (ع) در جلسات خود به این مسائل بپردازند، و مأمون کارهای سیاسی خود را با خیال راحت دنبال کند، و پوششی بر نقاط ضعف حکومتش باشد.

۴- مأمون تمایل داشت به عنوان یک زمامدار عالم در جامعه اسلامی معرفی گردد، و این یک امتیاز برای حکومت او باشد و از این طریق گروهی را به خود متوجه سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۴۳۵/۱-۴۴۰)

به نظر می‌رسد در میان این احتمالات، احتمال دوم و سوم با توجه به انگیزه‌های سیاسی مأمون در دعوت سیاسی امام برای پذیرفتن ولایتعهدی، قابل پذیرش نباشد و تنها انگیزه اول و چهارم با توجه به شخصیت مأمون و اهداف وی، بیشتر قابل پذیرش باشد؛ گرچه ممکن است علل دیگری نیز بتوان برای آن برشمرد.

در هر صورت، جلسات بحث و مناظره گسترده‌ای از سوی مأمون تشکیل شد، ولی آن چه در تاریخ بر جای ماند آن است که مأمون از این جلسات ناکام بیرون آمد، و نه تنها به هدفش نرسید، بلکه این مناظرات در دوره‌های بعد تاریخ نتیجه معکوس بر جای نهاد.

۵. مناظرات امام رضا (ع) با علمای عامه در مسئله امامت

بیشتر مناظرات امام رضا (ع) در بحث توحید است و در میان مناظرات آن حضرت، موضوع امامت در مقایسه با موضوع توحید، سهم کمتری دارد. برای این کار می‌توان دو دلیل برشمرد:

الف) توحید، مبنا و پایه مباحث اعتقادی از جمله بحث امامت است.

ب) با توجه به انگیزه‌های مأمون از برپایی جلسات مناظره، بیشتر جلسات مناظره امام رضا (ع) با دانشمندان ادیان و مکاتب دیگر بوده است و بحث با آنان نیز طبیعتاً در موضوعات مرتبط با توحید و نبوت بوده است.

۵-۱. تعداد و نوع مناظرات

در میان روایات کلامی امام رضا علیه السلام که شامل احتجاجات و برهان‌های حکمی آن حضرت در برابر دیگران است، چهار مناظره (با حذف موارد تکراری) در موضوع امامت گزارش شده است. دو مناظره با علمای عامه در مجلس مامون و نزد او صورت گرفته و دو مناظره نیز میان امام رضا علیه السلام و شخص مامون انجام شده است.^{۱۰}

مناظره اول در نزد مامون و در حضور علمای عامه با یحیی بن ضحاک سمرقندی از علمای اهل سنت است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۳۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۴۸) «یحیی بن ضحاک» از فقهاء و دانشمندان شهر سمرقند بود که در زمان امام رضا علیه السلام زندگی می‌کرد. در آن زمان، مأمون او را احضار کرده بود تا با امام رضا علیه السلام در مسئله امامت و خلافت مناظره کند.^{۱۱} محور اصلی این مناظره خلافت و امامت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ادعای جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عدم حقانیت و صداقت خلیفه اول است.

مناظره دوم نیز در نزد مامون و با جمعی از علمای عامه عراق و خراسان است که در آن امام علیه السلام در مناظره‌ای مفصل با آنان با استشهاد به دوازده دلیل قرآنی، به تبیین مصادیق آل و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اثبات فضیلت ایشان پرداختند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۲۲۸ - ۲۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/۲۲۰-۲۳۳)

مناظره سوم با شخص مامون بوده است که در آن مأمون در صدد است تا یکسانی خویشاوندی علویان و عباسیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را اثبات و خلافت خود و اجدادش را بر حق جلوه دهد. و امام علیه السلام با احتجاجی قوی، او را وادار به سکوت می‌کنند. (مفید، ۱۴۱۳: ۱/۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۴۹-۳۵۰)

۱۰- در کتاب بحارالانوار جلد ۱۰ صفحه ۳۴۸ به بعد احتجاجات و مناظراتی از امام رضا علیه السلام و مامون در موضوع امامت آمده است

۱۱- احادیث قبل از این حدیث در کتاب بحارالانوار که همگی در باب «مناظرات الرضا علی بن موسی صلوات الله علیه و احتجاجه علی أرباب الملل المختلفة و الأديان المتشعبة فی مجلس المأمون و غیره» آمده‌اند، با دانشمندان مکاتب و ادیان دیگر در موضوع توحید است و از حدیث ششم این باب بیشتر مناظرات و احتجاجات به بحث امامت اختصاص دارد که ما در این جا، به بیان مناظرات مذکور می‌پردازیم.

مناظره چهارم نیز با شخص مأمون است که او از امام علیه السلام درخواست بیان بزرگترین امتیاز امیرالمؤمنین علیه السلام را بر اساس شاهد قرآنی می‌کند، و امام علیه السلام با احتجاج به آیه مباهله، به تبیین چگونگی دلالت عبارت (أَنْفُسَنَا) بر امیرالمؤمنین علیه السلام و فضیلت علی علیه السلام بر اساس این شاهد قرآنی می‌پردازند. (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۵۰-۳۵۱؛ این حدیث در جلد ۴۹ بحارالانوار، صفحه ۱۸۸-۱۸۹ نیز آمده است)

۲-۵. برخی نتایج حاصل از مناظرات

از چهار مناظره گزارش شده امام رضا علیه السلام با مأمون و علمای عامه، نکاتی به دست می‌آید از جمله آن که:

۱- به نظر می‌رسد در مناظرات امام رضا علیه السلام که مخاطب از امام علیه السلام، طلب استدلال کرده است، مخاطب شیعه نیست^{۱۲} و این مطلب جای تامل دارد؛ چنان که در مناظرات مذکور نیز، مخاطب دو مناظره، مأمون و مخاطب دو مناظره دیگر، عالم یا علمای عامه بوده‌اند. در احتجاجات دیگری که از امام رضا علیه السلام گزارش شده است، در مواردی که مخاطب شیعه بوده است، اولاً روایت، قالب احتجاج دارد و نه مناظره و ثانیاً فضای روایت نشان می‌دهد که مخاطب از ابتدا به حجیت قول معصوم معتقد بوده است به عنوان نمونه عبدالعزیز بن مسلم نقل می‌کند:

همراه امام رضا علیه السلام در مرو بودیم و در مسجد جامع آن شهر جمع شدیم و مردم در موضوع امامت بحث و گفتگو می‌کردند و اختلاف عقیده بسیاری را در آن زمینه ذکر می‌نمودند. من به خدمت سرور و مولایم امام رضا علیه السلام رسیدم و گفتگوی مردم در در بحث امامت را به عرض ایشان رسانیدم. امام علیه السلام لبخندی زد و فرمود: ای عبدالعزیز این مردم نفهمیدند و از آراء صحیح خود فریب خورده و غافل گشته‌اند (کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۴۸۹) (آنچه در این جلسه مطرح شده

۱۲- این مطلب، نقل شفاهی آقای دکتر مهدوی راد از مرحوم آقای دکتر علی اکبر غفاری تصحیح کننده بسیاری از کتب روایی شیعه است.

است پندارهای مردم است که اساسا بر اصول محکم و متقنی استوار نیست).

بر این اساس، تعدادی از احتجاجات و مناظرات امام رضا علیه السلام دفع پندارهای نادرست مردم است که در قالب عباراتی نظیر «جهل القوم» و یا «ما يقول الناس» بیان شده است و مخاطب شیعه، در صدد طرح پندارهای نادرست مردم در حضور امام علیه السلام و در جریان قرار دادن امام علیه السلام از فضای فکری موجود در میان مردم است.

از جمله در همان روایت عبدالعزیز بن مسلم که امام علیه السلام با عبارت «جهل القوم» نادرستی اعتقاد مردم در موضوع امامت را بیان می‌دارند.

گفتنی است تعبیر «ما يقول الناس» در بسیاری از روایات، بیانگر همین نوع احتجاجات امام علیه السلام است که امام در ابتدا از پندارهای مردم در آن موضوع سوال می‌کنند و سپس به تصحیح آن پندارها می‌پردازند. از جمله در حدیثی، راوی از امام علیه السلام درباره روزه روز عاشورا سوال می‌کند و آن چه مردم در این باره می‌گفتند :

«... سَأَلْتُ الرَّضَاءَ عَنْ صَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ فَقَالَ عَنْ صَوْمِ ابْنِ مَرْجَانَةَ تَسَأَلْنِي ذَلِكَ يَوْمَ صَامَهُ الْأَدْعِيَاءُ مِنْ آلِ زِيَادٍ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ع وَ هُوَ يَوْمٌ يَتَشَامُّ بِهِ آلُ مُحَمَّدٍ ص وَ يَتَشَامُّ بِهِ أَهْلُ الْإِسْلَامِ وَ الْيَوْمُ الَّذِي يَتَشَامُّ بِهِ أَهْلُ الْإِسْلَامِ لَا يَصَامُ وَ لَا يَتَبَرَّكُ بِهِ... فَتَشَامُّنَا بِهِ وَ تَبَرَّكَ بِهِ عَدُونُنَا وَ يَوْمٌ عَاشُورَاءَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ تَبَرَّكَ بِهِ ابْنُ مَرْجَانَةَ وَ تَشَامُّ بِهِ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَمَنْ صَامَهُمَا أَوْ تَبَرَّكَ بِهِمَا لَقِيَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَمْسُوحَ الْقَلْبِ وَ كَانَ حَشْرُهُ مَعَ الَّذِينَ سَتُوا صَوْمَهُمَا وَ التَّبَرُّكَ بِهِمَا» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۹۳/۷)؛ راوی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام درباره روزه روز عاشورا و آن چه مردم درباره آن می‌گویند، سؤال کردم. حضرت فرمود: از روزه دودمان فرزند مرجانه از من سؤال می‌کنی؟ این روزی است که زنازادگان از آل زیاد بخاطر شهادت امام حسین علیه السلام روزه گرفتند. این روزی است که برای آل محمد و اهل اسلام روز نامیمونی بود و روز شومی بود و این روز، روز مبارکی نیست.... و چیزی که بر اهل بیت عصمت و

طهارت علیه السلام بخاطر روز عاشوراء و قتل امام حسین علیه السلام آمده و فرزند مرجانه بر او تبرک جسته، این روز روز شوم و روز نحسی است. هرکس روز عاشوراء و روز شهادت امام حسین علیه السلام را روزه بگیرد، در نزد خدای عالم، فردای قیامت منسوخ القلب محشور می‌شود و محشور می‌شود با دودمان یزید و آل مرجانه که در این روز، روزه می‌گرفتند.

در روایت فوق امام رضا علیه السلام در ابتدا از پندار و رفتار مردم درباره آن سوال می‌کنند و سپس به تصحیح پندارهای نادرست و رفتار مردم پرداخته و دلایل نادرستی آن را تبیین می‌فرمایند.^{۱۳}

۲- نتیجه دیگری که از قالب و محتوای مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای عامه به دست می‌آید، این است که در مناظرات گزارش شده که مخاطب غیر شیعه و از ابتدا مخالف با اندیشه‌های امام علیه السلام است، نوع احتجاجات امام علیه السلام به گونه‌ای است که ابتدا امام علیه السلام زیرساخت سخن و فکر مخاطب را متزلزل و مسئله‌دار می‌کنند و سپس با فروریختن زیرساخت فکری او، سخن حق را بنا می‌نمایند. و این بهترین شیوه جدل و به تعبیر قرآن کریم، جدل احسن است. به عبارتی «شما گاهی در مقابل خصم، با او همراهی می‌کنید و بعد از مدتی، یا یک حرکت یا نگاه محسوس، آن همراهی را می‌شکنید و او متوجه می‌شود که شما از ابتدا این گونه نبوده‌اید؛ بلکه می‌خواستید تا جایی بروید با این هدف که او به نتیجه برسد و در این حالت است که باور و عقاید محکم او به یکباره به هم می‌ریزد. در این نوع از نگاه، هدف از جدل و مناظره، بهره‌گیری از

۱۳- یکی از موضوعاتی که در رابطه با عاشورای حسینی از ناحیه دشمنان اهل بیت و بنی امیه از ابتدا مطرح بوده است قضیه روزه گرفتن روز عاشورا به پیروی از سیره بنی امیه به شکرانه شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام و یاران آن حضرت و اظهار سرور و خوشحالی در آن روز بوده است. فقهای شیعه بر اساس همین پیشینه و با الهام از روایات اهل بیت، روزه این روز را مکروه دانسته و چون این روز را روز حزن و اندوه و اقامه عزا در مصیبت حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌دانند از هرگونه عملی که منافات با اقامه عزا در این روز داشته باشد به شدت نهی فرموده‌اند و مؤمنین را توصیه فرموده‌اند تا در این روز دست از کارهای روز مژه کشیده و این روز را روز مصیبت و حزن و بکاء خود قرار دهند. در کنار این موضوع باید به این نکته نیز توجه داشت که اشکالات زیادی بر روایاتی که دلالت بر جواز یا امر به روزه روز عاشورا دارد، وارد است. (برای آگاهی بیشتر در این باره رک: طبسی، ۱۴۲۳)

مقبولات خصم و به تعبیر بهتر مجادله کننده، با هدف ستیزه جویی و نزاع و وادار کردن او به شکست و تسلیم در برابر سخن مقابل نیست؛ بلکه هدف در هم ریختن پایه‌های اندیشه او به وسیله همدلی و هم سوئی اولیه تا رسیدن به نتیجه مطلوب و هدایت او است و آن چه در این میان وجود دارد سخن گفتن با زبان فطرت انسان‌ها است که شکل نخستین منطق نیز همین سبک سخن گفتن با زبان فطرت است که خداوند متعال در قرآن کریم با همین سبک سخن گفته است»^{۱۴} مانند آیه شریفه:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۳۱)؛ «بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید و به آیینی که از جانب او آورده‌ام پای بند باشید، در آن صورت خدا نیز شما را دوست می‌دارد و گناهانتان را بر شما می‌بخشاید، و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است»

۵-۳. تبیین شیوه گفتمان جدلی بر اساس منطق قرآن کریم و تطبیق

آن بر مناظرات امام رضا علیه السلام

قرآن کریم به تبیین روش‌های گفتمان پرداخته و سه روش برهان حکمی، موعظه حسنه و جدل احسن را به عنوان شیوه‌های دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده است:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (النحل: ۱۲۵)؛ «مردم را با برهان و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا خوان و در این رهگذر با بهترین شیوه با آنان مجادله کن. قطعاً

۱۴- برگرفته از مباحث استاد آقای دکتر محمد علی مهدوی راد

انسان به مقتضای فطرت خود، حقایق بسیاری از امور را می‌فهمد؛ اما هنگامی که خود را آلوده به گناه نمود، پیامبران الهی باید بیایند تا به تعبیر حضرت علی علیه السلام: «يُثِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (نهج البلاغه: ۴۳) کنند یعنی تا گنجینه‌ها و دفینه‌های پنهان خرد آدمی را بیرون بکشند و آشکار کنند و انسان‌ها را به فطرت انسانی و سرشت انسانیت که همراه با شرف و کرامت است، برگردانند

پروردگار تو به کسی که از راه او گم گشته داناتر است و او به

هدایت یافتگان نیز آگاه‌تر است.»

از سویی در علم منطق، پنج فن استدلال یا گفتمان متناسب با اهداف گفتگو مطرح است که عبارتند از: برهان، جدل، خطابه، شعر و مغالطه (مظفر، بی تا: ۳۱۰ به بعد) بر اساس علم منطق به هر یک از شیوه‌ها و فنون پنج گانه حجت آوردن و استدلال کردن، به عنوان ابزارهایی برای رسیدن به هدف پیروزی بر خصم و اسکات او نگاه می‌شود. به عبارتی غایت در استفاده از این ابزارها در علم منطق، پیروزی بر خصم و اسکات او است.

اما در منطق قرآن کریم، که در سنجش اعمال انسان، بر سه عنصر حُسن فعلی و حُسن فاعلی و حُسن غایی تأکید دارد، استفاده از هر یک از ابزارها و فنون گفتمان بر اساس این سه عنصر، تعریف و هدفمند می‌شود. چنان که در فن جدل که به صورت «جدل احسن» مورد سفارش قرآن کریم است بر اساس این سه عنصر این گونه تعریف می‌شود:

در حُسن فعلی: جدل باید به گونه‌ای باشد که دربرگیرنده بهترین شیوه‌ها در اتخاذ مقبولات مخاطب برای تربیت او باشد. به عنوان نمونه در مجادله‌های حضرت ابراهیم علیه السلام با کفار که در قرآن کریم گزارش شده است، حضرت ابراهیم علیه السلام در مقابل کفار با استفاده از مقبولات کفار یعنی پرستش ماه و خورشید و ستاره، به بهترین شیوه از فن جدل استفاده کرده و آنان را وادار به پذیرش قول حق کرده است. (الانعام: ۷۶-۸۳) قرآن کریم، این گونه بهره‌برداری به حق از مقبولات مخاطب را «جدل احسن» نام نهاده است که از چهارچوب‌های بسیار قوی تر و فراگیرتر و تأثیرگذارتر نسبت به شیوه جدل علم منطق برخوردار است.

قرآن کریم برای رویارویی با غیرمسلمانان دستور به مجادله احسن می‌دهد:

«وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (العنکبوت: ۴۶): «و با

اهل کتاب (یهود و نصارا) جز با نیکوترین روش، بحث نکنید»

در حُسن فاعلی: مجادله کننده باید با نیت نیکو ورود به جدل پیدا کند تا درکنار حُسن فعلی و حُسن غایی، جدل او با مخاطب، مصداق مجادله احسن گردد. به عنوان نمونه در همان مجادله‌های حضرت ابراهیم علیه السلام با کفار، حضرت ابراهیم علیه السلام با نیت تربیت و هدایت‌گری آنان ورود به مجادله می‌کند و همین امر موجب می‌گردد که مجادله او از شاخصه حُسن فاعلی برخوردار شده و تبدیل به جدل احسن گردد.

در مقابل جدلی که حُسن فاعلی نداشته باشد و تنها از حسن فعلی برخوردار باشد یعنی تنها جدل مفیدی از سوی مجادله کننده ارائه شود، نتایج حاصله از آن، قابل برابری با جدلی که از حُسن فاعلی برخوردار است، نخواهد بود.

قرآن کریم خطاب به رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛

«ای پیامبر، اگر درشتخوی و سختدل بودی، قطعاً از گرد تو پراکنده

شده بودند»

گفتنی است یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی قرآن کریم، ترسیم الگو است و درباره الگو نیز مهم‌ترین شاخصه آن، قابل حصول بودن و دست یافتنی بودن آن است. الگوهای بشری قرآنی مانند شخصیت انبیاء الهی و دیگر افراد بزرگ و بزرگوار تاریخ، همگی به گونه‌ای بوده‌اند که اعمال و رفتارهای آنان از حُسن فاعلی و فعلی و غایی هر سه برخوردار بوده است و لذا به عنوان مثال در مجادله‌های آنان با مخاطب، جدل آنان تبدیل به جدل احسن و موعظه‌شان تبدیل به موعظه حسنه و امثال آن می‌شود.

در حُسن غایی: هدف از جدل، باید تربیت و هدایت‌گری مخاطب باشد؛ و نه اسکات و وادار کردن او به پذیرش سخن مجادله کننده. به عنوان نمونه در همان مجادله حضرت ابراهیم علیه السلام با کفار، هدف رساندن دعوت حق به کفار و هدایت‌گری آنان است.

از آن چه گذشت روشن می‌شود که میان شیوه‌گفتمان قرآنی و شیوه‌گفتمان منطق یونانی (صناعات خمس) تفاوت‌های چشمگیری در جنبه‌های گوناگون فعل، فاعل، غایت و نتیجه وجود دارد.

و با تطبیق این امور بر مناظره امام رضا علیه السلام نیز روشن می‌شود که:

در حُسن فعلی این مناظرات، امام رضا علیه السلام با بهره‌گیری از بهترین شیوه‌ها در استفاده از مقبولات مخاطب، به دعوت مخاطب به سوی پذیرش حق پرداخته‌اند.

به عنوان نمونه در مناظره یا جدل احسن امام رضا علیه السلام با مامون در پاسخ به شبهه مامون درباره یکسانی خویشاوندی علویان و عباسیان نسبت به رسول خدا ﷺ، امام علیه السلام به امکان ازدواج رسول خدا ﷺ با دختر مامون و وجود نداشتن این امکان درباره دختر امام علیه السلام استناد می‌کنند و با استفاده از مقبولات مامون به گونه‌ای او را وادار به پذیرش حق می‌نمایند که مامون

در نهایت بی اختیار اعتراف می‌کند که: آری به خدا سوگند که شما در خویشاوندی، به مراتب به رسول خدا ﷺ نزدیک‌ترید تا ما. (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۴۹-۳۵۰)

در حُسن فاعلی این مناظرات، نگاه امام رضا علیه السلام مانند دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نه برای تشفی دل خود؛ بلکه تنها برای هدایت و تربیت مخاطب است. امام رضا علیه السلام این ویژگی خود به عنوان امام را در بخشی از احتجاج طولانی خود برای عبدالعزیز بن مسلم بیان می‌دارند که: «امام انیسی دوست و پدری مهربان است (الامامُ الانیس الرفیق والوالدُ الشفیق). امام امین خدا در میان خلقتش و حجت او است بر بندگانش و جانشین او است و مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند»

تعبیر به پدر مهربان، اشاره‌ای دقیق به داشتن حُسن فاعلی مناظرات در کنار حُسن غایی آن است.

در حُسن غایی نیز این مناظرات تنها با هدف هدایت‌گری و تربیت انسان‌ها است. چنان که امام رضا علیه السلام در بخش دیگری از همان احتجاج طولانی خویش می‌فرماید: «امامت، زمام دین و مایه نظام مسلمین و موجب صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. امام مردم را با حکمت و پند و موعظه نیکو و برهان قاطع به راه پروردگار دعوت می‌نماید...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۳۳-۴۴۱)

۶. برخی از مهم‌ترین خطوط مستفاد از مناظرات امام رضا علیه السلام در مسئله امامت

با نگاهی به محتوای مناظرات امام رضا علیه السلام در موضوع امامت، باید گفت که اصرار امام رضا علیه السلام بر مسئله امامت، با توجه به مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی که برای امام در این مناظرات ترسیم شده است، کوششی است برای تبیین چند مسئله:

الف) با تبیین مسئله امامت، وضعیت هدایت و رهبری در گذشته و حال روشن می‌شود.

ب) ارتباط امامت و ولایت با توحید

ج) مرجعیت علمی و دینی ائمه معصومین علیهم السلام

د) تبیین مذهب امامیه و سبب اختلاف آن با دیگر مذاهب.

آن چه گذشت، نگاهی بود به مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای عامه و اهداف و پیامدهای آن. در بخش بعد، نگاهی خواهیم داشت به مناظرات مامون با علمای عامه در مسئله امامت و اهداف او از برگزاری این جلسات.

۷. مناظرات خود مأمون با علمای عامه در مسئله امامت و انگیزه‌های او

در منابع اسلامی آمده است که مامون اظهار تشیع می‌کرد. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۱۸/۱۸) او به این نکته کاملاً آگاه بود که گروه‌های معتقد روشن بین جامعه اسلامی، جایگاه اهل بیت علیهم السلام را می‌شناسند و از آنان خط گرفته و هدایت می‌جویند. وی همچنین می‌دانست که گردانندگان دستگاه خلافت و سران لشکرش - که بسیاری از آنان ایرانیان بودند - نسبت به آل علی علیهم السلام و امامان شیعه علاقه و محبتی خاص دارند. این گرایش به حدی بود که خلیفه وقت نمی‌توانست آن را نادیده بگیرد، لذا تصمیم گرفت با آنان همراهی کند و افکار عمومی را متوجه خود سازد، لذا اظهار تشیع کرد تا خود و سلطنتش را حفظ کند. از این رو شروع به دفاع از خلافت حضرت امیر علیه السلام و اثبات حقانیت آن حضرت و نفی فضائل ساختگی دیگران کرد.

وی به همین منظور، در خراسان لباس سبز که شعار علویان بود پوشید و بر معاویه تقص گرفت و فدک را به علویان رد کرد و در مناسبت‌های مختلف از امام امیرالمومنین علیه السلام ستایش می‌کرد. گویند او به تمام مناطق نوشت که علی بن ابیطالب علیه السلام بهترین خلق بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و در سال ۲۱۵ قمری اعلامیه‌ای صادر کرد که هرکس معاویه را مدح کند؛ من از او بیزارم و هرکه علی علیه السلام را سب کند او را مجازات می‌نمایم، چه افضل مردم پس از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی بن ابیطالب علیه السلام است. این عملکرد مامون سبب شد که بسیاری از دانشوران و مورخان او را شیعه بدانند (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۱۸/۱۸؛ باقر بیدهندی، ۱۳۸۸: ۹).

مامون در دوران خلافت خود در اجرای سیاست ابراز تشیع، به اقدامات مختلفی دست زد. از جمله این اقدامات، مناظرات و احتجاجاتی عالمانه با علمای عامه بود.

در کتاب‌های روایی، دو مناظره از مامون با علمای عامه گزارش شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۹/۴۹ به بعد)

او در یکی از این مناظرات که در مرکز خلافت اسلامی (خراسان) با متکلمان و فقه‌های قوی و صاحب نظر عامه درباره اولویت علی علیه السلام به خلافت داشت، پس از چند ساعت بحث و مناظره، همه آن‌ها را محکوم و افضلیت علی علیه السلام را بر سایر صحابه بویژه خلفای قبل از او به اثبات رساند.^{۱۵}

مناظره دوم مامون در پاسخ مامون به نامه اعتراض آمیز عباسیان است. گروهی از عباسیان (که البته در نقل، به عنوان بنی‌هاشم ذکر شده‌اند از این جهت که نسبت عباسیان نیز به هاشم جد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌رسد، به مامون نامه‌ای اعتراض آمیز نوشتند که چرا حضرت علی بن



۱۵- این مناظره بسیار زیبا و جامع، که در کتاب‌های معتبری از شیعه و سنی آمده، در بردارنده بخشی از فضایل علی علیه السلام به همراه ردّ بخشی از ادعاهای واهی می‌باشد. از جمله کتاب‌هایی که این مناظره را نقل کرده‌اند:

الف) عقد الفرید، ج ۳، ص ۲۸۵ - از عالم بزرگ اهل سنت، شهاب الدین، ابن عبد ربّه اندلسی (متوفی ۳۲۸ ق).

ب) عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۹۰ - از شیخ صدوق قدس سره.

ج) بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۸۹-۲۰۸ از علامه مجلسی قدس سره.

برخی کتاب‌ها نیز به توضیح و شرح این مناظره پرداخته‌اند از جمله:

الف) بحث امامت، مناظره مامون با دانشمندان و علمای معاصر، مقدمه، ترجمه و پاورقی حسن مصطفوی، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۴۶ ش.

ب) نگین حقیقت (مناظره مأمون با علمای اهل سنت درباره فضایل حضرت علی)، عبدالرحمن باقرزاده، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱ ش.

ج) حقیقت جاوید، ابوسجاد اسحاقی، تهران، مشعر، ۱۳۸۸ ش، چاپ اول

شهید مرتضی مطهری رحمته الله علیه درباره مأمون و این مناظره می‌گوید:

«مأمون طوری عمل کرده است که بسیاری از مورّخین او را شیعه می‌دانند، می‌گویند او شیعه بوده است و بنا بر عقیده من - که هیچ مانعی ندارد که انسان به يك چیزی اعتقاد داشته باشد و بر ضدّ اعتقادش عمل کند - او شیعه بوده است و از علمای شیعه بوده است. این مرد مباحثاتی با علمای اهل تسنن کرده است که در متن تاریخ ضبط است. من ندیده‌ام هیچ عالم شیعی اینجور منطقی مباحثه کرده باشد... به قدری این مباحثه جالب و عالمانه است که انسان کمتر می‌بیند که عالمی از علمای شیعه این جور عالمانه مباحثه کرده باشد» (مطهری، بی تا: ۱۷۸)

موسی الرضا علیه السلام را به عنوان ولیعهد انتخاب کردی؛ زیرا این امر سبب تزلزل ارکان تو می شود باید شخص دیگری را تعیین می کردی. اما مامون در پاسخ به نامه آنها، به مدح امیرالمومنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام می پردازد.

مصدر اصلی این نقل، کتاب «الطرائف» ابن طاووس است (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۲۷۵/۱-۲۸۲) که از شیعه نقل می کند و مدرک عامی آن نیز ابن مسکویه در کتاب «ندیم الفرید»^{۱۶} است. علامه مجلسی در بحارالانوار این متن را به نقل از کتاب «الطرائف» نقل می نماید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۸/۴۹-۲۱۴)

قابل توجه است که مامون خود در موضوع توحید با دانشمندان ادیان و مکاتب دیگر، مناظره ای ندارد و این امر با توجه به انگیزه های مامون از برپایی جلسات مناظره، روشن است. به نظر می رسد انگیزه مامون از اظهار تشیع و برگزاری چنین جلساتی، موارد زیر بوده باشد که برخی از آنها هم پوشانی با انگیزه های او از برگزاری جلسات مناظره برای امام رضا علیه السلام داشته است:

- ۱- مطرح کردن خود به عنوان زمامدار دانش دوست و منصف
 - ۲- ایجاد نوعی سرگرمی برای مردم در برابر مشکلات اجتماعی و خفقان سیاسی
 - ۳- تظاهر به قبول ولایت امیرالمومنین علیه السلام و افضلیت ایشان و نیز تقرب جستن به امام رضا علیه السلام بنا بر مصالح سیاسی.
 - ۴- این احتمال نیز وجود دارد که بحث مامون با علمای اهل سنت در جایگاه دفاع از حقانیت علی علیه السلام، به منظور قوت بخشیدن به احتجاجات علمای اهل سنت و خود در برابر احتجاجات امام رضا علیه السلام در جلسات مناظره بوده باشد.
- به عبارتی، هدف مامون از تشکیل چنین جلسه ای، آماده کردن علمای اهل سنت در برابر احتجاجات امام علیه السلام است تا آنها از قبل آمادگی در برابر احتجاجات ایشان داشته و در جلسه

۱۶- از جمله آثار تاریخی ابن مسکویه. علامه مجلسی هنگام نقل این متن می گوید: «مِنَ الطَّرَائِفِ الْمَشْهُورَةِ مَا بَلَغَ إِلَيْهِ الْمَأْمُونُ فِي مَدْحِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ وَ مَدْحِ أَهْلِ بَيْتِهِ عَ ذَكَرَهُ ابْنُ مَسْكُوِيَةَ صَاحِبُ التَّارِيخِ الْمُسَمَّى بِحَوَادِثِ الْإِسْلَامِ فِي كِتَابِ سَمَاءِ نَدِيمِ الْفَرِيدِ يَقُولُ فِيهِ...»

مناظره با امام علی علیه السلام بتوانند به احتجاجات ایشان پاسخ دهند که البته به نظر می‌رسد چنین احتمالی با توجه به انگیزه‌های قوی‌تری که بیان گردید، ضعیف و غیر قابل قبول باشد.

مأمون در برنامه‌هایش در مورد جلسات مناظره صداقتی نداشت؛ چنان که در حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل شده هنگامی که مأمون مجالس بحث و مناظره تشکیل می‌داد، و شخصا در مقابل مخالفان اهل بیت علیهم السلام به بحث می‌نشست و امامت امیرالمومنین علی علیه السلام و برتری او بر تمام صحابه را روشن می‌ساخت تا به امام رضا علیه السلام تقرب جوید، امام علی علیه السلام به برخی از یارانش که مورد وثوق بودند، چنین فرمود: «فریب سخنان او را نخورید؛ به خدا سوگند، هیچ کس جز او مرا به قتل نمی‌رساند، ولی چاره‌ای جز صبر ندارم تا دوران زندگی‌ام به سرآید» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۴/۲-۱۸۵)

جالب توجه آن که دربار مأمون پیوسته محل برگزاری این گونه مباحث بود، ولی پس از شهادت امام علی علیه السلام دیگر اثری از آن مجالس علمی و بحث‌های کلامی دیده نشد و این مسئله قابل دقت است.

نتیجه

آن چه در این مقاله ارائه گردید، نموداری بود از انگیزه‌ها، شیوه‌ها و نتایج مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای عامه و نیز مناظرات مأمون با علمای عامه برای رسیدن به چند هدف:

۱- تبیین انگیزه‌های مأمون از برگزاری جلسات مناظره میان امام رضا علیه السلام و علمای عامه و نیز مناظره میان خود و علمای عامه برای رسیدن به اهداف خود در تضعیف جایگاه امامت و ولایت و تثبیت جایگاه خلافت خویش.

۲- تبیین هدف هدایت‌گری مناظرات امام رضا علیه السلام در دو بُعد:

الف) هدایت مخاطب؛ چنان که بر اساس قرآن کریم نیز استفاده از شیوه‌های سه گانه حکمت، موعظه حسنه و جدل احسن برای دعوت به حق و هدایت است.

ب) آموزش و تعلیم شیوه مناظره صحیح به انسان‌ها بویژه مسلمانان و شیعیان در طول تاریخ و دوره‌های بعد. در این بُعد از هدایت‌گری، امام علی علیه السلام در جایگاه تعلیمی خویش، همان گونه که به

عنوان مثال شیوه‌های تفسیر را به مفسران دوره‌های بعد از خود آموزش می‌دادند (بابایی، ۱۳۹۱: ۴۴/۱-۶۲)، شیوه‌های گفت‌وگو و مناظره را نیز به شیعیان خویش می‌آموختند. مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای عامه، نه تنها در آن دوره تاریخی که در همه روزگاران در دو جنبه روش و محتوا می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛ محتوا و روش‌هایی که با مبانی مستحکم و خردپذیر و با هدف هدایت‌گری انسان‌ها، متفاوت با دیگر روش‌های گفتمان بشری است و در همه روزگاران می‌تواند پاسخ‌گوی سوالات و شبهات باشد.



کتابنامه

۱. قرآن کریم؛
۲. نهج البلاغه. (۱۴۱۴). تصحیح و تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت؛
۳. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷). الغيبة، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق؛
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح و تحقیق مهدی لاجوردی، تهران: جهان؛
۵. _____. (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه؛
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه؛
۷. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۰). الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، تحقیق و تصحیح عاشور، علی، قم: خیام؛
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب، تصحیح و تحقیق جمال الدین میر دامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر؛
۹. اسحاقی، ابوسجاد. (۱۳۸۸). حقیقت جاوید، تهران: مشعر؛
۱۰. بابایی، علی اکبر. (۱۳۹۱). مکاتب تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، با همکاری سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛
۱۱. باقر بیدهندی، ناصر. (۱۳۸۸). اسناد فضیلت مولا علیه السلام، قم: مسجد مقدس جمکران؛



۱۲. باقر زاده، عبدالرحمن. (۱۳۸۱). نگین حقیقت (مناظره‌ی مأمون با علمای اهل سنت درباره فضایل حضرت علی علیه السلام)، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما؛
۱۳. جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، قم: انصاریان؛
۱۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح، هلالی علی و علی سیری، بیروت: دارالفکر؛
۱۵. راغب أصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح و تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت- دمشق: دار القلم- الدار الشامیة؛
۱۶. صفوت، احمد زکی. (۱۳۶۰). فتنه خلق القرآن، فصلنامه صحیفه دارالعلوم، سال هفتم، ش ۳؛
۱۷. _____ (بی تا). جمهرة خطب العرب فی عصور العریبة الزاهرة، المكتبة العلمیه، بیروت، لبنان؛
۱۸. طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳). الإحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح و تحقیق محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی؛
۱۹. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳). دلائل الإمامة، تصحیح و تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة قم: بعثت؛
۲۰. طبسی، نجم الدین. (۱۴۲۳). صوم عاشورا، بیروت: دارالولاء؛
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۲۹). الکافی، تصحیح و تحقیق دارالحديث، قم: دار الحديث؛
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳). بحار الأنوار، تصحیح و تحقیق جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی؛

۲۳. مدنی شیرازی، علی خان بن أحمد. (۱۳۸۴). الطراز الأول و الكناز لما عليه من لغة العرب المعول، تصحيح و تحقيق مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، مشهد: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث؛

۲۴. مطهری، مرتضی. (بی تا). سیری در سیره ائمه اطهار عليهم السلام، تهران: صدرا؛

۲۵. _____ (۱۳۷۸). مجموعه آثار، تهران: صدرا؛

۲۶. مظفر، محمد رضا. (بی تا) المنطق، قم: دارالعلم؛

۲۷. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). الفصول المختارة، تصحيح و تحقيق مير شريفی، علی، قم: کنگره شيخ مفید؛

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۶). مجموعه آثار دومین کنگره حضرت رضا عليه السلام، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی؛

۲۹. موسسه الامام الهادی عليه السلام. (۱۳۸۵). موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام، قم: موسسه الامام الهادی عليه السلام؛

۳۰. نجفی، نفیسه. (۱۳۸۹). نگرشی موضوعی بر زیارت جامعه کبیره، سفینه، ش ۲۶، سال هفتم.

